

## ارتباط دختران و پسران

احمد لقمانی\*

### اشاره

«تعامل و ارتباط با دیگران» از امور اساسی زندگی انسان است که برای رشد و پیشرفت یا بقا و حیات شکل می‌گیرد و رابطه نزدیکی بین آن با «احساس خوشبختی»، «لذت و شادمانی»، «سلامت جسمانی» و «نفع فردی و اجتماعی» وجود دارد. در این بین نیاز به ارتباط با جنس مخالف در مقطعی از زندگی از برجستگی خاصی برخوردار است و رهاورد دلدادگی‌های پسرانه و دلبری‌های دخترانه محسوب می‌شود که بر اساس نیروی پیوندجویی دو جنس مخالف شکل می‌گیرد و با ایجاد علاقه و محبت استمرار می‌یابد.

گفتنی است این ارتباط و علاقه اگر از آغاز تنظیم نشود و در مسیری درست و منطقی خود قرار نگیرد، از چارچوب هنجارهای فرهنگی و اجتماعی و دینی خارج می‌شود، به سوی بی‌عفتی، سرکشی و عصیان می‌رود و جوشش درونی به شورش بیرونی می‌انجامد.

پیش از هر سخن باید بدانیم گفتگوها و تعاملات رایج اجتماعی که در محیط‌های علمی و آموزشی یا اجتماعی و اقتصادی در سطح جامعه وجود دارد و بدون هر احساسی انجام می‌پذیرد، «ارتباط» نام دارد؛ اما این ارتباط اگر با محبت و صمیمیت یا عشق و علاقه قلبی ویژه‌ای ادامه یابد، «دوستی» گفته می‌شود.

بنابراین ارتباط تحصیلی بین دختر و پسر در حد کتاب و جزوه درسی یا پرسش و پاسخ‌های معمول بین معلم و شاگرد از مقوله دوستی نیست و نشانه‌ها و آثار آن را ندارد، بلکه نوعی ارتباط همانند ده‌ها ارتباطات روزمره برای حل مشکلات و آسان‌سازی سختی‌هاست، بی‌آنکه علاقه‌ای

\* مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

قلبی شکل گیرد یا همدلی و هم‌گرایی صورت پذیرد.

در این نوشتار ابتدا به مجموعه دیدگاه‌های گوناگون درباره ارتباط دختران و پسران می‌پردازیم و سپس وظایف والدین و جامعه در قبال این رفتارها را بررسی می‌کنیم.

## ۱. دیدگاه‌های گوناگون درباره ارتباط دختران و پسران

### الف) ارتباط در حد ضرورت و اضطرار

توصیه‌های عرفانی و نصیحت‌های اخلاقی که بیشتر از سوی افراد ناب مذهبی و خانواده‌های سنتی مطرح می‌شود، ارتباط در حد ضرورت و ناچاری یا اضطرار و درماندگی است. در این دیدگاه فراتر از فرمان‌های فقهی یا ظاهری، به آثار روحی و باطنی توجه خاصی می‌شود تا کمترین غبار غربت از خدا یا روی کردن به گناه در آینه شفاف قلب دیده نشود و افزون بر تقوا و خویش‌داری، ورع و پارسایی در گفتگوها و نشست‌وبرخاست‌ها احساس شود.

### ب) ارتباط راحت عادی بین دختران و پسران

نقطه مقابل ضرورت و اضطرار، ارتباطی عادی و راحت و روان بین پسران و دختران است. صاحبان این نظریه معتقدند ذات ارتباط بین دختر و پسر هیچ منعی ندارد و همان‌گونه که در ارتباط دختر با دختر یا پسر با پسر امکان فساد وجود دارد، بین دختر و پسر نیز چنین است؛ از این رو به جای ایجاد حساسیت یا باید و نباید و گیر دادن که نتیجه آن حریص شدن و کنج‌کاوی است، دختران و پسران را راحت بگذاریم تا مثل خواهر و برادر بگویند و رفتار کنند و تجربه نمایند و پس از تجربه تشخیص دهند.

اینان معتقدند اگر ارتباط دختر و پسر را در پارک و خیابان منع کردید، در خانه خلوت همدیگر را می‌یابند و کاری که در جمع نمی‌توانستند انجام دهند، مرتکب می‌شوند؛ پس بگذارید مثل کشورهای اروپایی آزاد باشند و نسبت به همدیگر حریص نشوند.

صاحب‌نظران نکاتی درباره چگونگی این دیدگاه بیان کرده‌اند:

اول: عرفی‌سازی یا عادی‌سازی ارتباط دختر و پسر و زن و مرد بیگانه، تفکر حاکم بر نظام اداری جامعه است که در بسیاری از سازمان‌ها و اداره‌ها، مسئولان و مدیران و حتی سریال‌های تلویزیونی مشاهده می‌شود. خواستگاران متعدد دختری با انواع سلیقه یا عقیده وارد خانه او

می‌شوند، با هم قدم می‌زنند، شوخی می‌کنند، یکدیگر را غافلگیر می‌نمایند و گاه با طنز از مسائل پنهانی همدیگر حرف می‌زنند و نام این عمل را «آزادی عمل» دختران و پسران در تصمیم‌گیری زندگی خود می‌گذارند!

بی‌تردید این شیوه تا این حد با مبانی دینی و اعتقادات مذهبی ما سازگار نیست، زیرا دختران نجیب ما از عفاف و حیایی بهره‌مندند که مانع این‌گونه رفتارها و گفتارهای باز و بی‌پرده می‌شود و همین ویژگی‌ها به آنان ارزشمندی والایی می‌بخشد.

**دوم:** ما هم قبول داریم که دربارهٔ ارتباط دختران و پسران نباید بسته، سفت و سخت برخورد کرد، اما حدّ آزادبودن و تجربه‌کردن را برای ما مشخص کنید تا ما هم با شما همراه شویم: آیا دربارهٔ سیگار و هروئین، شیشه و کراک یا مشروبات الکلی زیانبار و مرگبار نیز همین اعتقاد را آن‌هم برای فرزندان خود دارید؟! و بر این باورید که با دلسوزی و نظارت ما - نه دلخوری و دخالت ما - آزادی عمل جوانان سلب می‌شود؟ و باید انواع دوست‌پسر برای دخترانتان یا دوست‌دختر برای پسرانتان باشد تا در رفاه و راحتی باشند؟! یا اهل سیگار و هروئین، شیشه و حشیش شوند و خود تجربه کنند و پس از چندی به درجهٔ تشخیص برسند؟! اگر بگویید وظیفهٔ والدین ممانعت از این‌گونه امور است، می‌گوییم قاعدهٔ عقلی که ارائه کردید، هرگز استثنایز نیست و همهٔ اینها را دربر می‌گیرد.

**سوم:** حدّ و مرز قاعدهٔ «الانسان حریص علی ما منع: انسان در برابر آنچه منع شود، حریص می‌گردد» را شفاف بیان کنید. آیا ارتباط تلفنی دختر و پسر کافی است؟ قدم‌زدن در خیابان چطور؟ در پارک‌نشستن و گفتن و خندیدن چطور؟ دست خود را در دست هم‌گذاشتن چگونه است؟ پس از چندی که این امور عادی شد، با هم غذا خوردن و ساعاتی بیشتر در کنار هم بودن کافی است؟! یا بعد از این مرحله هم کارهای بعدی و بعدی است؟!

**چهارم:** همه می‌دانیم که دو نوع احساس گرسنگی داریم: گرسنگی جسمی و سپس گرسنگی جنسی. نوع اول با یک، دو یا سه ظرف غذا برطرف می‌شود؛ اما حس گرسنگی جنسی همانند خوردن آب نمک، عطش را زیاده‌تر می‌کند و چونان آتشی است که با هیزم انتظار خاموش شدنش وجود دارد!

آنان که در مسیر تجربهٔ جنسی قرار می‌گیرند، انواع رنگ‌ها و چهره‌ها، سن‌ها و تیپ‌ها را

تجربه می‌کنند، اما هرگز سیر نمی‌شوند؛ چون راه سیرشدن را اشتباه می‌روند. ازاین‌رو هرچه بیشتر می‌رود، بیشتر دور می‌شوند.

راز آنکه اندیشمندان ما با روشن‌بینی و بصیرت بسیار<sup>۱</sup> پس از بیان انواع گرسنگی، حرص را مجموعه‌ای از «تحریک» و «منع» دانسته‌اند و معتقدند برای برون‌رفت از شرارت شهوت، باید «تحریک» را برداشت نه «منع» را، بلایی است که امروزه در شهرها و کشورهای به اصطلاح متمدن از نظر ارتباطات افسارگسیخته بین دختران و پسران یا زنان و مردان بیگانه مشاهده می‌شود و آن تنوع و تعدد در معشوقه‌ها، لرزان‌بودن بنیان خانواده‌ها، آمار وحشتناک طلاق‌ها و جدایی‌ها و تجاوزها و جنایت‌هاست.

آنان با تحریک‌های جنسی مخاطبان خود در نشریات و کتاب‌ها، فیلم‌ها و سریال‌ها، سینماها و ماهواره‌ها، آتشی شعله‌ور درون یکایک افراد ایجاد کرده‌اند و برای خاموشی این شعله‌ها، منع را برداشته‌اند و ارتباطات را آزاد گذاشته‌اند؛ درحالی‌که عقل و خرد و فطرت و وجدان هر انسان سالم و عاقلی حکم می‌کند در مدارس و دانشگاه‌هایی که دختران و پسران در کنار هم نباشند، آرامش درونی برای پیشرفت و تعالی بیشتر فراهم است و تمرکز افزایش و تلاطم کاهش چشمگیری می‌یابد.

بی‌شک دانشجوی پسری که یکایک دختران کلاس یا دانشکده را می‌شناسد و حتی ارتباط سالم - نه دوستی ناسالم - با آنان دارد، با دیگری که بدون توجه به دیگران مشغول تحصیل و تحقیق است، یکسان نخواهد بود؛ ازاین‌رو بیگانه راه روشن برای دوری از شورش و آشوب درونی، کنترل تحریک‌ها و برداشتن ابزار و زمینه آن است تا دنیای درون و بیرون دختران و پسران آرامش یابد و از تندبادهای شهوت کمتر آسیب ببیند.

بنابراین قاعده «الانسان حریص علی ما مُنِع» در جای خود درست است، اما برداشت شما اشتباهی و انحرافی است.

اما دیدگاه نخست یعنی «ضرورت و اضطرار» نیز با داستان قرآنی «حضرت موسی و شعیب پیامبر» نقدشدنی است؛ به گونه‌ای که نمی‌تواند عام و فراگیر و برای امروز جامعه ما پاسخ‌گو

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۵۶.

باشد.

این داستان مربوط به زمانی است که حضرت موسی از شهر مصر با حال ترس و نگرانی از دشمن به جانب مدین بیرون رفت و چون به سر چاه آبی در حوالی شهر مدین رسید، آنجا جماعتی دید که گوسفندان را سیراب می‌کردند و دو زن را یافت که دور از مردان در کناری به جمع‌آوری گوسفندان مشغول بودند. موسی به جانب آن دو رفت، گفت شما اینجا چه کار می‌کنید؟ گفتند که منتظریم تا مردان گوسفندان را سیراب کنند، باز گردند، آن‌گاه گوسفندان خود را سیراب کنیم و پدر ما مردی سالخورده است. موسی گوسفندان را سیراب کرد و دست به دعا برداشت. هنوز از دعا لب‌نسته بود، دید که یکی از آن دو دختر با کمال وقار و حیا باز آمد و گفت پدرم از تو دعوت می‌کند تا به منزل ما آیی تا عوض آب‌دهی گوسفندان ما به تو پاداش دهد. چون موسی نزد شعیب و دختران رسید و سرگذشت خود را با شعیب حکایت کرد، شعیب گفت اکنون هیچ ترس که از شر قوم ستمکار نجات یافتی. یکی از آن دو دختر (صفورا) گفت: «ای پدر، این مرد را به خدمت خود اجیر کن که بهترین کسی که باید به خدمت برگزید، کسی است که امین و تواناست».

و شعیب گفت: «من اراده آن دارم که یکی از دو دخترم را به نکاح تو درآورم ...». قرآن در پایان از پذیرش این عهد از سوی موسی سخن به میان آورده است.<sup>۱</sup> اگر بپذیریم که طرح داستان‌ها در قرآن برای درس‌آموزی و پندپذیری است، نقش آفرینان مثبت در جایگاه الگوهای حسنه قرآن‌اند که برای همیشه نمونه‌های ناب زندگی محسوب می‌شوند.

در داستان حضرت موسی و دختران شعیب، دو الگوی ارتباطی به‌خوبی نفی می‌شود؛ اول الگویی که از ارتباط آزاد و بی‌حد و حصر پسر و دختر دفاع می‌کند؛ زیرا خواندیم که دختران شعیب نخواستند با جنس مخالف به‌راحتی اختلاط بلکه ارتباط داشته باشند. دوم الگویی که نفی مطلق ارتباط دختر و پسر نمی‌کند؛ زیرا موسی وقتی دختران را در کنار چاه دید، با آنها ارتباط کلامی پیدا کرد و از مشکلشان جويا شد. این تعامل نشان‌دهنده

مشروعیت ارتباط کلامی در زمان‌های گره‌گشایی بنا بر مصالح عقلانی دارد، درحالی‌که ضرورت نبود و موسی می‌توانست آنان را به حال خود رها کند تا همچون روزهای گذشته خود آب بردارند، اما روحیه جوانمردی موسی سبب این اقدام شایسته او شد.

خداوند متعال در ادامه ماجرا می‌فرماید: «حضرت شعیب دختر [دوم خود صفورا] را به دنبال موسی فرستاد» که این عمل با هر دو مبنا ناسازگار است؛ زیرا شعیب می‌توانست خود راهی شود و در صورت توان‌نداشتن، مردی یا بانویی میانسال یا کهنسال را روانه کند نه دختر جوان خود را.

اما شیوه راه‌رفتن دختر شعیب بیان‌کننده عفاف و حیای دختری اصیل است که هر چیزی را در جای خود می‌پسندد و خود را محصور نمی‌کند؛ با این وجود، رها و بی‌معیار هم وارد کوچه و بازار نمی‌شود.

قرآن درباره چگونگی راه‌رفتن دختر شعیب می‌فرماید: «تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ»؛<sup>۱</sup> یعنی درحالی‌که حیا از او می‌بارید، راه می‌رفت.

آری، دین ما که دین اعتدال است، حد و سط به دور از افراط و پرده‌داری یا تفریط و تنگ‌نظری را دوست دارد و در تمامی صحنه‌های اجتماعی ارتباط دختر و پسر را تنها به «حجاب» نمی‌داند، بلکه «حریم» را می‌پسندد؛ چنان‌که در بین افراد مذهبی و اصیل هرگز دختری با حجاب کامل بین مردان نمی‌نشیند، گرچه با حجاب است و حریم را حفظ می‌کند.

همین شیوه را بانوی بزرگ اسلام، حضرت زهرا علیها السلام داشت؛ از یک‌سو عمار که عطر جهیزیه فاطمه علیها السلام را که با پول مهریه حضرت علی علیه السلام خریده بود، همراه آورد؛ اما اجازه ورود به خانه حضرت نیافت، دم در ایستاد و زهرای اطهر علیها السلام او را دید و شناخت و با کنیه یعنی احترام، وی را مخاطب خود کرد؛ ولی سلمان که چونان پدر بزرگ فاطمه بود، وارد خانه حضرت شده، دستان زخمی او را از چرخش دستاس می‌دید و حتی به کمک وی می‌شتافت و از وصله‌دار بودن لباس زهرای عزیز سخن گفت.<sup>۲</sup>

۱. قصص: ۲۵.

۲. عبدالله بن نورالله بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآیات والأخبار والأقوال، ج ۱۱، ص ۵۸۵.

### ج) شیوه معروف یا عرفی که پسند عقل و شرع باشد

دیدگاه سوم درباره «ارتباط دختران و پسران»، «معروف» یعنی «شایسته» است؛ شیوه‌ای که قرآن از آن سخن می‌گوید: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»<sup>۱</sup> با آنان به گونه‌ای شایسته معاشرت کنید». یا درباره «گفتگو» و چگونگی آن می‌فرماید: «وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا»<sup>۲</sup> و گفتاری شایسته گوید».

این دستور وقتی نازل شد که برخی زنان برای پرهیز از تحریک در سخن گفتن با مردان و عمل به آیه «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ: هنگام سخن گفتن صدای خود را نازک نکنید»، انگشت در دهان خود می‌کردند؛ اما خداوند فرمان داد به صورت معروف سخن بگویند.

به‌راستی معروف یعنی چه؟ و شیوه شناخت آن چیست؟ صاحب‌نظران «معروف» را شیوه‌ای می‌دانند که ذایقه اجتماعی می‌پسندد و عرف عقلا بین زنان و مردان است. به دیگر سخن، عرفی است که عقل و شرع آن را تأیید کند؛ آنچه در جامعه به نام عمل آدم‌های حساسی که زبانزد خوبی هستند، دانسته می‌شود. عملی که خلاف شرع و عقل نیست و عاقلان و متشرعان انجام می‌دهند.

امروزه گرفتن جزوه و کتاب بین دختران و پسران دانشگاه‌ها - بدون تحریک - وجود دارد و عملی «معروف» است؛ چون عقل تأیید می‌کند و خلاف شرع هم نیست. اما دست‌دادن همکلاسی‌های دختر و پسر را عرف متشرعان و پایبندان به دین و مذهب و عاقلان نمی‌پسندند یا در خارج از کشور و در سمینارهای علمی دست‌دادن‌ها و حتی روبوسی‌ها، عملی عرف محسوب می‌شود؛ اما هرگز پسند شرع نیست و پرهیز و دوری از آن برای ما لازم و ضروری است که سلیقه‌ای زیبا با ظرافت خاص خود را می‌طلبند، مثل دادن یک شاخه گل به آنان که دستشان را پیش می‌آورند.

اینجاست که به‌خوبی در می‌یابیم حضور در شوراها و تشکل‌های مختلف ورزشی و آموزشی یا علمی و سیاسی به دور از مراقبت‌های فقهی و اخلاقی در مسدودنکردن راه‌ها و روزنه‌های تحریک با انواع صداها و رفتارها یا جذابیت چهره‌ها باعث ایجاد اتفاق به معنای «اتفاق» می‌شود و علاقه و دلبستگی سرزده و بدون اجازه می‌آید و محکم می‌نشیند و هرگز بلند نمی‌شود.

۱. نساء: ۱۹.

۲. احزاب: ۳۲.

آنان که از دقت و ضریب هوشی معرفتی بیشتری برخوردارند، نه تنها مراقب خود بلکه مواظب طرف مقابل خود نیز هستند؛ چون از آثار و آوار این ریزش‌های عاطفی به‌خوبی باخبرند.

آری، نکته دانستی آن است که در این عرصه و در ارتباطات اولیه، ضریب مقاومت دختران بالاتر است و پسران زود احساساتی و تحریک می‌شوند؛ زیرا جنسیت پسر این‌گونه است. اما بر اثر استمرار ارتباط، ضریب آسیب‌پذیری دختران بیشتر می‌شود و با قطع ارتباط شکستگی شخصیت، اندوه و افسردگی پیدا می‌کنند.

## ۲. وظیفه پدران و مادران، مربیان و اطرافیان

اطرافیان هنگام آگاهی از ارتباط فرزندان وظایفی دارند که عبارت‌اند از:

- (الف) حفظ حیات دختران و پسران با تغافل و اظهار بی‌خبری از چنین ارتباطی؛
- (ب) اظهار محبت و علاقه بیشتر برای ایجاد جبران‌های عاطفی پدران و مادران یا اطرافیان؛
- (ج) پرکردن اوقات فراغت دختران و پسران؛
- (د) فراهم آوردن محیط‌های دلنشین با گفتگوهای صمیمی و لبریز از علاقه و هیجان؛
- (ه) یادآوری غیرمستقیم آفات و خطرات این‌گونه ارتباطات.<sup>۱</sup>

## ۳. انگیزه‌های ارتباط و دوستی بین پسران و دختران

جامعه ایران در دهه‌های اخیر با تغییرات فرهنگی، اعتقادی، بینشی و نگرشی، شیوه تفکر، طرز رفتار و همچنین تحت تأثیر قرار گرفتن تعامل‌ها و ارتباطات اجتماعی مطلوب و نامطلوب همراه شده است. این مسائل افزون بر آنکه تمام نهادهای اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است، موجب شده است زنان و دختران در سازمان‌ها و نهادهای مختلف اداری، کارخانه‌ها، شرکت‌های خصوصی و فروشگاه‌ها و از همه مهم‌تر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی حضوری پررنگ داشته باشند و دوشادوش مردان به کارهای مختلف اشتغال ورزند. این دگرگونی با اینکه آثار و نتایج بسیار مثبت و مفیدی به همراه دارد، عوارض و آسیب‌های

۱. محمدعلی سعادت، رفتار والدین با فرزندان.



نامناسب و زیان بخشی نیز در پی دارد؛ از جمله «شکل گیری دوستی های نامطلوب یا دوستی های خیابانی بین دختران و پسران» که به گونه مد اجتماعی درمی آید و نه تنها در برخی موارد موجب شرمندگی نمی گردد، بلکه نوعی وجهه خاص، فخر فروشی و چشم و هم چشمی در پی دارد، قبیح مسئله فرومی ریزد و این عقیده نادرست پیدا می شود که دختر قبل از ازدواج بهتر است با جنس مخالف رابطه و دوستی داشته باشد.

برای بررسی این مسئله و پیامدهای خانوادگی و اجتماعی آن، گروهی بر آن شدند با استفاده از پرسش نامه که دارای پانزده بسته پرسش بود، آسیب های رابطه بین دختر و پسر را قبل از ازدواج در مترو، پارک ها و ایستگاه های اتوبوس واحد به وسیله پنج نفر از دانشجویان در سه ماه بررسی کنند؛ به این امید که نتایج این بررسی میدانی و واقعی برای دختران و پسران و خانواده ها مؤثر و مفید باشد.

برقراری اولین ارتباط با جنس مخالف یا داشتن دوست پسر و دوست دختر، سن و سال مشخصی ندارد و در هر سنی بعد از بلوغ جنسی ممکن است اتفاق بیفتد؛ اما همین که به وجود آمد به ویژه اگر اولین تجربه در سن کم باشد، به یک ارتباط عاطفی و احساسی شدید تبدیل می گردد. روح حاکم بر این گونه دوستی ها، به ویژه از جانب پسران عشق ورزی کور و به قصد فریب کاری و التذاذ جنسی و تماس با دختران و احساسی است؛ همان گونه که پیامبر خدا ﷺ می فرماید: «حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يُعْمِي وَيُصِمُّ»<sup>۱</sup> دوست داشتن و علاقه ات به چیزی تو را کور و کر می کند؛ از این رو این ارتباط ها با شناخت و آگاهی درست انجام نمی گیرد؛ افزون بر اینکه آسیب هایی را به وجود می آورد که به ویژه برای دختران و بعد هم پسران و زندگی آینده آنان بسیار زیان بار است؛ چراکه دختر و پسر شناخت درستی از یکدیگر ندارند و بیشتر بر اساس هوس تصمیم می گیرند. به همین لحاظ زندگی بعدی و ازدواج آنها دوام و بقا ندارد، به سرعت به سردی می گراید و به طلاق منجر می شود.

جو و فضای زندگی این گونه دختران و پسران پس از ازدواج پر از سوءظن و بدبینی و بدگمانی و بی اعتمادی است؛ به ویژه در جامعه ما که نجابت و پاکدامنی دختر بسیار مهم است.

۱. محمد بن علی ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۰، ح ۵۸۱۴.

یافته‌های یک پژوهش در آمریکا و همچنین نتایج تحقیق و بررسی حاضر در مورد عوامل مؤثر در طلاق نشان می‌دهد زندگی زناشویی زوج‌هایی که پیش از ازدواج با یکدیگر دوست بوده و زندگی کرده‌اند، با مشکلات بسیاری روبرو شده و منجر به طلاق و جدایی می‌شود. تحقیق دکتر کترین کوهان (استاد دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا) نشان می‌دهد افرادی که پیش از ازدواج با یکدیگر رابطه داشته‌اند، بعد از ازدواج در حل مشکلات خود عاجزند؛ چراکه به یکدیگر بدین هستند. او می‌گوید: «طبیعت ارتباطات آزاد این است که زوجین چندان انگیزه‌ای برای حل درگیری‌ها از مهارت خود ندارند و به نظر می‌رسد که ارتباطات این افراد زودتر از افرادی که با یکدیگر دوست نبوده‌اند، سرد و منجر به طلاق می‌شود».<sup>۱</sup>

این رخداد تلخ به آن دلیل است که بنای این دوستی‌ها از ابتدا بر اساس تفنن و سرگرمی است و در بسیاری از موارد، بین عشق واقعی و هوا و هوس تمیز داده نمی‌شود و در برخی موارد مبتنی بر هوسرانی است و با عشق حقیقی و پاک تفاوت دارد؛ به همین سبب منجر به سرانجام تلخی می‌شود. افزون بر اینکه حس تنوع‌طلبی این گونه پسران موجب می‌شود به سراغ دیگری و دیگری بروند و هم زندگی خود و هم زندگی دختران دیگر را در معرض خطر قرار دهند.

فضای زندگی این گونه دختران و پسران با توجه به ارزش‌ها و هنجارهای سنتی و دینی ما همواره آلوده و ناپاک و همیشه با اضطراب، تشویش و احساس نگرانی و هراس درونی همراه است؛ از این رو می‌هراسند که مبدا رابطه نامشروع آنها با پسران دیگر برملا شود و به اصطلاح «تشت آنها از سر بام بیفتد».

یافته‌های پژوهش پیش‌گفته به این ترتیب است:

اول: بیشتر پسرانی که با دختران رابطه دارند، بین ۲۰ تا ۳۵ سال دارند و حدود ۹۵ درصد پاسخ‌دهندگان را دربر می‌گیرد.

دوم: ۷۶ درصد افرادی که با دختر یا زنی رابطه دارند، مجرد و ۲۴ درصد متأهل هستند.

سوم: کسانی که دوست‌دختر دارند، ۱۵ درصد کمتر از دیپلم، ۳۳ درصد دیپلم، ۱۲ درصد

فوق‌دیپلم، ۳۸ درصد لیسانس و ۲ درصد فوق‌لیسانس و بالاتر هستند.

۱. کترین کوهان و ال. و کلین‌بام، «به سوی درک بهتر تأثیر هم‌زیستی: هم‌زیستی پیش از ازدواج و ارتباط زناشویی»، ص ۱۸۰-۱۹۲.

چهارم: ۲۶ درصد پاسخ‌دهندگان با یک دختر، ۱۵ درصد با ۲ دختر، ۵۹ درصد با ۳ دختر و بیشتر رابطه دوستی داشته‌اند.

در پرسش بعدی از آنها پرسیده شد: به نظر شما در ایجاد رابطه جنسی با جنس مخالف، کدام‌یک از عوامل بیشتر اهمیت داشته است؟ پاسخ‌ها چنین بود: ۴۲ درصد ارضای نیاز جنسی، ۱۰ درصد کسب تجربه، ۶ درصد تقریح و ۴۲ درصد رابطه عاشقانه و صمیمانه. در پرسش بعدی از پسران پرسیده شد: اگر قرار باشد ازدواج کنید، تا چه اندازه مایل به ازدواج با دوست‌دختر قبلی و کنونی خود هستید؟ ۸۴ درصد پاسخ دادند ما به هیچ‌وجه با این‌گونه دختران ازدواج نخواهیم کرد و ۱۶ درصد اظهار داشته‌اند نمی‌دانم، باید فکر کنم.

در نتیجه به جرئت می‌توان گفت اگر دختران به امید ازدواج با پسران رابطه دوستی قرار می‌کنند؛ به‌ویژه اگر مورد سوءاستفاده قرار گیرند، مطمئن باشند که این‌گونه پسران جز قصد فریب آنها، خیالی ندارند و به هیچ‌وجه آنها را مناسب ازدواج و زندگی نمی‌دانند؛ چون به نجابت و پاکدامنی آنها که جزء ارزش‌های اساسی در هر ازدواج است، اعتماد ندارند.

در نهایت به منظور اطمینان از دقت پاسخ‌گویی به پرسش‌ها، از آنها پرسیده شد: تا چه حد مطمئن هستید به همه پرسش‌ها پاسخ درست و واقعی داده‌اید؟ پاسخ‌ها به این ترتیب بود: ۶ درصد اندکی، ۱۶ درصد تا حدودی، ۱۶ درصد زیاد و ۶۲ درصد کاملاً مطمئن بودند که به همه پرسش‌ها به‌درستی و واقعی پاسخ داده‌اند.

در نتیجه می‌توان گفت حدود ۷۸ درصد پاسخ‌دهندگان به‌درستی پاسخ داده‌اند. این بررسی نشان می‌دهد:

۱. افراد مجرد در برابر افراد متأهل، دارای بیشترین رابطه با جنس مخالف هستند؛ به طوری که ۷۶ درصد افراد مجرد و ۲۴ درصد متأهل بودند.

۲. از لحاظ سنی، بیشترین رابطه با جنس مخالف، بین ۲۵ - ۳۵ سال دارند.

۳. افراد مجرد به لحاظ برقراری روابط عاشقانه و ارضای نیاز جنسی، اقدام به ایجاد رابطه با جنس مخالف می‌کنند.

۴. بیش از ۸۴ درصد پسران با قاطعیت اظهار داشته‌اند با این‌گونه دختران هرگز ازدواج نخواهند کرد؛ زیرا به نجابت و پاکدامنی آنها به هیچ‌وجه اعتماد ندارند و معتقدند این‌گونه

دختران که به آسانی با آنها دوست شده‌اند، می‌توانند با هر کسی دیگر دوست شوند. با توجه به نتایج بررسی این تحقیق، به جرئت می‌توان گفت رابطه دختر و پسر یا داشتن «دوست دختر» و «دوست پسر» قبل از دوران نامزدی، بدترین و شدیدترین صدمه و آسیب را به زندگی و آینده دختر می‌زند، اگرچه پسران نیز از این آسیب بی‌بهره نیستند. بنابراین به یقین بهترین و مفیدترین رابطه دختر و پسر، سپری کردن دوران نامزدی با آگاهی و موافقت خانواده طرفین است؛ زیرا بر اساس تحقیقات هرچه دوران نامزدی بیشتر باشد (حدود یک سال)، ازدواج دختر و پسر موفق‌تر است؛ زیرا ازدواج با آگاهی و درک متقابل از یکدیگر و با تصمیم عقلانی‌تری انجام می‌گیرد. بنابراین بهترین پیشنهاد برای همسرگزینی و ازدواج، افزون بر حمایت و حضور والدین که بهترین دوست و یاور آنها هستند، گذراندن دوران نامزدی رسمی و آشنایی با ویژگی‌های شخصیتی همدیگر و درک متقابل از هم است.<sup>۱</sup>

#### ۴. خانواده‌ها بدانند

خانواده‌ها شاید عاملان اصلی به‌دام‌افتادن بچه‌ها باشند؛ همان‌هایی که با بی‌تفاوتی نسبت به دادن هویت سالم و مثبت به فرزندان‌شان و با تحقیر همیشه خود، آنها را در شرایطی قرار می‌دهند تا برای تسکین بحران بی‌هویتی خود دست محبت به سمت جنس مخالف دراز کنند. بی‌شک اگر مادر سنگ صبور فرزند باشد و آغوش پدر، گرم و محبت‌آمیز باشد، نوجوانان به پناهگاه مطمئن خانه پناه می‌آورند و فریفته کلمات آتشین غریبه‌ها نمی‌شوند.<sup>۲</sup>

در نهایت: آفرین بر پدران و مادرانی که فرزندان‌شان آنان را «مَحْرَم اسرار» در گفتن‌ها و شنیدن‌های خیابانی می‌دانند و بی‌هیچ هراسی حرف دل خود را با آنها در میان می‌گذارند؛ آفرین و هزار آفرین.

۱. امان گرامی مقدم، انسان‌شناسی فرهنگی.

۲. پرویز شریفی درآوردی، «بهداشت روانی نوجوانان»، ص ۷۱ - ۹۸.

## کتاب‌نامه

### قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳ ق.
۲. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، ج ۱، قم: مؤسسه امام المهدی علیه السلام، ۱۴۱۳ ق.
۳. سعادت، محمدعلی، رفتار والدین با فرزندان، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۴ ش.
۴. شریفی درآوردی، پرویز، «بهداشت روانی نوجوانان»، روان‌شناسی و علوم تربیتی، ش ۴، ص ۷۱-۹۸.
۵. کوهان، کاترین. ال. و کلین بام، س، «به سوی درک بهتر تأثیر هم‌زیستی: هم‌زیستی پیش از ازدواج و ارتباط زناشویی»، مجله ازدواج و خانواده، دوره ۶۴، ش ۱، ۲۰۰۲ م.
۶. گرامی مقدم، امان، انسان‌شناسی فرهنگی، تهران: ابجد، ۱۳۹۷ ش.
۷. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۹، تهران: صدرا، [بی‌تا].